

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

فرستنده: طاهر باختری

۱۳ دسمبر ۲۰۲۴

«نسل‌کشی در غزه به دلیل تسلط اسرائیل بر سیاستمداران غربی امکان‌پذیر شده است»



سوزان ابوالهوا، نویسنده فلسطینی: «نسل‌کشی در غزه به دلیل تسلط اسرائیل بر سیاستمداران غربی امکان‌پذیر شده است»

حتی سردی صفحه نمایش هم قادر نیست احساسات را کاهش دهد وقتی از سوزان ابوالهوا (کویت، ۱۹۷۰) درباره آنچه در غزه دیده، پرسیده می‌شود. او با صدائی لرزان می‌گوید: «سخت است درباره اش صحبت کنم... خشونت، وحشت، محرومیت، تحقیر.» ماه‌ها پس از گذراندن چندین هفته در غزه، این نویسنده و فعال حقوق بشر فلسطینی انتشار نسخه اسپانیائی رمان طلوع‌های جنین (انتشارات حروف پررنگ) را معرفی می‌کند. این نخستین رمان او که ابتداء در سال ۲۰۰۶ منتشر شد، به ۳۲ زبان ترجمه شده و بیش از یک میلیون نسخه از آن فروخته شده است. این روایت از تصاحب زمین و تبعید اجباری یک خانواده فلسطینی که در سال ۱۹۴۸ توسط نیروهای دولت تازه‌تأسیس اسرائیل از سرزمین

خود اخراج شدند، او را به پرخواننده‌ترین نویسنده فلسطینی در جهان تبدیل کرده است. او که دختر یک خانواده پناهجو است و در پنسیلوانیا اقامت دارد، از طریق ویدئو کنفرانس با روزنامه‌ال‌پریودیو مصاحبه کرده است.

در طلوع‌های جنین شما داستان یک خانواده را که در سال ۱۹۴۸ از عین حوض (نزدیک حیفا) اخراج شدند، روایت می‌کنید، اما این می‌تواند داستان هر خانواده فلسطینی دیگری باشد. می‌خواستید چه پیامی به جهان بدهید؟ راستش با هیچ شخص خاصی صحبت نمی‌کردم. من یک روایت‌گر هستم. و این‌ها داستان‌های زندگی ما هستند. وقتی می‌نویسم، وفاداری من با شخصیت‌ها، داستان و یک شیوه روایتی اصیل و واقعی است.

آیا جای خالی چنین روایت‌هایی را در ادبیات غرب احساس می‌کردید؟

کاملاً. این واقعاً اولین نمونه از این نوع در ادبیات غرب بود. پیش از این چیزی شبیه به آن وجود نداشت، یک رمان با داستانی چندنسلی فلسطینی. و به همین دلیل فکر می‌کنم به یک کلاسیک فوری تبدیل شد. می‌دانید، این عمدی بود. ناشران غربی به داستان‌های ما علاقه‌ای ندارند، مگر این که کلیشه‌های غربی درباره ما را تأیید کنند. مطمئناً کتاب‌های زیادی درباره یک زن فلسطینی فقیر که قربانی مردان عرب مختلف است وجود دارد، یا چیزهایی که ایده «ناجی سفیدپوست اروپایی» یا تصویر تروریستی ما را تقویت کند. حتی کتاب‌های تاریخی نسبتاً محبوب هم بندرت توسط فلسطینی‌ها نوشته می‌شوند. معمولاً اسرائیلی‌ها یا دیگر غربی‌ها آن‌ها را می‌نویسند.

والدین شما پس از جنگ شش‌روزه (۱۹۶۷) همه چیز خود را در فلسطین از دست دادند و مجبور شدند در چندین کشور آواره شوند. این مسأله چه تأثیری بر زندگی شما داشت؟

پدر و مادرم اهل بیت‌المقدس هستند. و همان‌طور که برای هر فلسطینی رخ می‌دهد، اشغال اسرائیل مسیر زندگی ما را تعیین می‌کند. والدینم نتوانستند در فلسطین بمانند و اخراج شدند، در حالی که دیگر اعضای خانواده‌مان توانستند خود را پنهان کنند و بمانند. همه این‌ها ما را نابود کرد. زندگی همه را نابود کرد. خانواده‌ها را از هم پاشید، در حالی که ما از فرهنگی می‌آئیم که عمیقاً به زمین وابسته است و با انسجام اجتماعی تعریف می‌شود؛ فرهنگی که بر پایه عشیره‌ها، قبایل و خانواده‌ها ساختار یافته است.

بسیاری از اسرائیلی‌ها معتقدند که پناهندگان فلسطینی باید واقعیت را بپذیرند، دست از شکایت بردارند و حق بازگشت را فراموش کنند.

این اسرائیلی‌ها هستند که باید با وضعیت خود به عنوان استعمارگر کنار بیایند و به کشورهایی که از آن آمده‌اند بازگردند، یا یاد بگیرند که به عنوان انسان‌های برابر در سرزمینی که به آن آمده‌اند زندگی کنند. هر چیز دیگری تنها یک خیال استعمارگرانه است. همه استعمارگران چنین خیالی دارند. و همه همین حرف را می‌زنند: «قبول کنید.» اما مطمئناً آن‌ها نمی‌پذیرند که کسی به آن‌ها بگوید: «شما نابود شدید، پس به دنبال جبران یا به رسمیت شناختن نگردید. فقط بپذیرید.»

چه شباهت‌هایی بین نکبت ۱۹۴۸ و آنچه اکنون رخ می‌دهد می‌بینید؟

در جریان نکت، اسرائیل توانست بیش از ۸۰٪ از جمعیت بومی را اخراج کند. این کار را با خشونت، قتل‌های عام و فجایع گسترده انجام داد. اما حداقل آن‌هایی که فرار کردند توانستند جایی برای امنیت پیدا کنند و زندگی خود را بازسازی کنند. آنچه اکنون در غزه رخ می‌دهد خارق‌العاده و شاید بی‌سابقه است. هیچ راه فراری وجود ندارد. مردم در یک فضای بسته از یک نقطه به نقطه دیگر فرار می‌کنند، در حالی که بمب‌ها از همه طرف می‌بارند. این یک نسل‌کشی است. تراکم جمعیت، کوچکی قلمرو و قدرت آتش این کشتار روزانه را به چیزی بی‌نظیر تبدیل کرده است. چرا فکر می‌کنید چنین چیزی در قرن بیست و یکم، در حالی که تقریباً به صورت زنده در شبکه‌های اجتماعی پخش می‌شود، ممکن شده است؟

اسرائیل موفق شده است که سیاستمداران غربی را به تسلط خود درآورد. نمی‌دانم چگونه این کار را انجام می‌دهد، آیا با پول، رشوه یا اخاذی؟ من به آن جهان تعلق ندارم. اما قطعاً این سیاستمداران بر اساس ارزش‌هایی که ادعا می‌کنند به آن‌ها پایبندند یا مطابق با خواست مردم خود عمل نمی‌کنند. بیشتر انسان‌ها می‌بینند چه اتفاقی در حال رخ دادن است و می‌خواهند که پایان یابد. حتی در ایالات متحده، ۷۰ درصد مردم خواستار تحریم تسلیحاتی اسرائیل هستند. اما یک گروه کوچک از افراد که رسانه‌ها، اقتصاد و سیاست را کنترل می‌کنند، خلاف اراده مردم عمل می‌کنند.

گفته شده که شما بهار گذشته به غزه رفتید. آیا آنجا شبیه چیزی بود که انتظار داشتید؟ چه چیزی بیشتر شما را تحت تأثیر قرار داد؟

بسیار بدتر از آن چیزی بود که کسی می‌تواند تصور کند. صحبت درباره آن دشوار است. من هرگز در زندگی‌ام چیزی شبیه به آن ندیده‌ام. خشونت، وحشت، محرومیت، تحقیر... حتی در کتاب‌های تاریخ هم چیزی شبیه به این نخوانده بودم. [احساساتی می‌شود]

بخشید، ولی من هم انسان هستم. آنچه دنیا می‌بیند، لحظات خشونت‌آمیز و دیدنی است، نوک کوه یخ. و همین هم به اندازه کافی وحشتناک است. اما چیزهای بیشتری وجود دارد. انسان‌هایی که روزها با دست‌های خود خاک را می‌کاوند تا دیگران را از زیر آوار بیرون بیاورند، کسانی که در زیر آوار گرفتار شده و در حال جان دادن هستند. همه صدای آن‌ها را می‌شنوند، اما کسی نمی‌تواند آن‌ها را نجات دهد. بسیاری از این افراد کودک هستند. به دلیل نرسیدن کمک، حتی کفش وجود ندارد. چیزی به این سادگی، کفش! و سپس تحقیر کودکان را می‌بینید. ناگهان آن‌ها را می‌بینید که با هیجان لباس‌های فرم مدرسه را انتخاب می‌کنند، زیرا قرار است کمی درس بخوانند یا موسیقی یاد بگیرند. اما بعد همان کودکان سه‌ساله را می‌بینید که بشکه‌های آب حمل می‌کنند. همه وقت خود را صرف یافتن آب و غذا می‌کنند، در حالی که در زیر بمباران هستند.

وقتی سخنان نتانیا‌هو یا بایدن را می‌شنوید که می‌گویند این جنگ علیه حماس است یا جنگی برای ریشه‌کن کردن تروریسم در منطقه، چه فکر می‌کنید؟

این دروغی است کاملاً بی‌پایه. آن‌ها خودشان بزرگترین هیولاهای هستند. حماس هیچ تهدیدی برای آن‌ها نیست. وقتی کسی تهدید باشد، این‌طور بمبارانش نمی‌کنند. و شواهد در نحوه برخوردشان با ایران دیده می‌شود؛ با اقداماتی بسیار حساب‌شده و محتاطانه. اسرائیل تهدیدی برای فلسطینی‌ها است، اما همچنین تهدیدی برای بشریت و اخلاقیات. تهدیدی برای حقوق بین‌الملل و نظم جهانی است که غرب ادعا می‌کند از آن دفاع می‌کند.

فکر می‌کنید هدف نهایی اسرائیل در غزه چیست؟

خودشان این را گفته‌اند، پس باید به حرفشان گوش کرد. از سال ۱۹۴۸ همواره از ۲۰ درصد فلسطینیانی که موفق شدند باقی بمانند، شکایت کرده‌اند و در دو دهه اخیر مرتباً می‌گویند که می‌خواهند از شر ما خلاص شوند. آن‌ها این را به روش‌های مختلف امتحان کرده‌اند. و اکنون دوباره آشکارا گفته‌اند: «باید همه آن‌ها را بکشیم.» در گفت‌وگوهای عمومی خودشان وسواس زیادی به کودکان ما دارند و می‌گویند که ما یک تهدید جمعیتی هستیم. این وسواس وقتی بیشتر شد که میدان عظیمی از گاز طبیعی در ساحل شمالی غزه کشف شد. آن‌ها تلاش کردند آن را تصاحب کنند، اما نمی‌توانند، زیرا خارج از حوزه قضائی‌شان است. هر بار که تلاش کرده‌اند، شرکت‌های نفتی با شکایت‌های حقوقی روبه‌رو شده و پروژه را رها کرده‌اند.

همدردی با ایالات متحده هیچ‌گاه آسان نبوده است. خود شما ۲۰ سال پیش به دلیل مقاله‌هایی که در مطبوعات آمریکا درباره این موضوع می‌نوشتید، از یک شرکت داروسازی اخراج شدید. آیا در این ۲۰ سال چیزی تغییر کرده است؟ به دانشجویان نگاه کنید. آن‌ها به دلیل تظاهرات علیه نسل‌کشی با اتهامات سنگین کیفری مواجه می‌شوند و ممکن است به زندان بیفتند. برای اولین بار در تاریخ آمریکا یک استاد دارای کرسی دائمی به دلیل مخالفت با نسل‌کشی اخراج شد. این استاد، به طور مشخص، یک زن یهودی از دانشگاه کلمبیا بود. این وحشتناک است.

از ترمپ چه انتظاری دارید؟

ترمپ بسیار غیرقابل پیش‌بینی است، اما تیمی که او برای خاورمیانه انتخاب کرده، تقریباً هیچ چیز خوبی را نوید نمی‌دهد. هیچ‌کدام از ما انتظار زیادی نداریم. من امیدوار نیستم که سیاستمداران غربی ما را آزاد کنند.

آیا هنوز امید دارید؟

قطعاً. من از مبارزانمان الهام می‌گیرم، کسانی که با وجود دانستن این که کشته خواهند شد، همچنان برای آزادی مردمشان می‌جنگند. از فعالان، متحدان، دانشجویان و ملت‌هایی که از ما حمایت می‌کنند الهام می‌گیرم. دنیا دارد وحشتی را که ما از دست اسرائیل تحمل کرده‌ایم می‌بیند و روایت‌های نژادپرستانه‌ای را که درباره ما ساخته شده است، به نبرد فرا می‌خواند. امید من از بار اخلاقی توده‌هایی می‌آید که در حال بیدار شدن هستند. همچنین از روشنفکران. دیر یا زود سیستم‌های عمیقاً ناعادلانه‌ای که بر پایه برتری ادعائی یک قوم یا نژاد بنا شده‌اند، فرو خواهند ریخت. به همین دلیل هنوز امید دارم.

[۱۲ دسامبر ۲۰۲۴](#)